



تحلیلی بر شاخص‌های کیفیت کالبدی مراکز فرهنگی با تأکید بر ارتقاء تعاملات اجتماعی

(موردپژوهی: فرهنگسرای نیاوران، تهران)

شیما بهرامی¹ و امیررضا کریمی آذری^{2*}

تاریخ دریافت: 1403/05/10

تاریخ پذیرش: 1403/09/18

(صفحات 15-32)

چکیده

هدف: رشد جمعیت شهری و توسعه کالبدی سکونتگاه‌های شهری، باعث شده است تا شاخص‌های اجتماعی در جوامع شهری روند نزولی طی کنند. به عنوان یک مسأله مهم در معماری مدرن، موضوعی که تا کنون در کشور ایران کمتر به آن پرداخته شده است، رابطه میان کیفیت کالبدی فضاها و تعاملات اجتماعی در این فضاهاست. معماری و شهرسازی مدرن باید به جای افتراق و جدایی، در پی افزایش تعاملات اجتماعی و همبستگی انسان‌ها باشد. امروزه این موضوع در جوامع شهری بزرگ مانند کلانشهر تهران بسیار کم رنگ شده است. هدف اصلی از این مطالعه، بررسی ارتباط بین شاخص‌های کیفیت کالبدی فرهنگسراهای شهر تهران و شاخص‌های تعاملات اجتماعی با تأکید بر فرهنگسرای نیاوران بود.

روش تحقیق: برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شد. 256 نفر در این فرآیند همکاری کردند. 18 شاخص کالبدی و 13 شاخص اجتماعی بررسی شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چند متغیره انجام شد.

نتایج و بحث: مقایسه نمرات میانگین بین شاخص‌های اجتماعی حاکی از آن بود که دو شاخص امنیت روانی و هویت یابی و هویت‌مندی به ترتیب با نمرات میانگین 4.13 و 4.11 در رتبه اول و دوم قرار داشتند. کمترین نمره میانگین به شاخص فضای خاطره انگیز با نمره میانگین 3.11 اختصاص داشت. نمره میانگین تمام شاخص‌های اجتماعی بالاتر از حد متوسط بود. نمره میانگین برای شاخص اصلی تعاملات اجتماعی نیز براساس برآیند 13 شاخص مورد مطالعه برابر با 3.79 برآورد شد. براساس نتایج به دست آمده، از بین شاخص‌های کالبدی، دو شاخص طراحی نورپردازی و ایمنی و استفاده از نور طبیعی به ترتیب با نمرات میانگین 4.18 و 4.16 در رتبه اول و دوم قرار گرفت. کمترین نمره میانگین نیز به شاخص خوانایی و ابهام زدایی با نمره میانگین 3.24 اختصاص داشت. در مجموع نمره میانگین برای بعد کالبدی برابر 3.80 شد. نتایج ضریب همبستگی نشان داد که بسیاری از شاخص‌های کالبدی با شاخص‌های اجتماعی همسو هستند. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، از بین شاخص‌های کالبدی، شش شاخص خوانایی و ابهام زدایی، دعوت‌کنندگی، مبلمان انعطاف پذیر، وجود تنوع فضایی، مرکزگرایی و سطح فعالیت‌های انسانی بیشترین اثرگذاری را بر تعاملات اجتماعی داشتند.

نتیجه‌گیری: نتیجه حاکی از آن است که معماری مدرن می‌تواند از طریق بهبود شاخص‌های منتج از پژوهش، تعاملات اجتماعی را بین افراد افزایش دهد. ارتقاء تعاملات اجتماعی بهبود کیفیت زندگی و توسعه انسانی را در جوامع شهری در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: کیفیت کالبدی، فرهنگسرا، فضای عمومی، تعاملات اجتماعی، تهران.

¹دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

²دانشیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول) amirreza_karimiazeri@guilan.ac.ir

1 - مقدمه

مطالعات و گزارش‌های بین‌المللی حاکی از آن است که یکی از بزرگترین چالش‌های جهان در سال‌های اخیر، شهرنشینی است (Arvanitidis & Papagiannitsis, 2020). براساس آمارهای ارائه شده، تا سال 1950، سکونتگاه‌های شهری تنها 30 درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دادند که امروزه به 50 درصد رسیده است (Mexia et al., 2018) و پیش‌بینی می‌شود تا سال 2050، هفتاد درصد از جمعیت جهان به دلیل شهرنشینی سریع در مناطق شهری زندگی کنند (Chen et al., 2020). گسترش بی‌رویه جمعیت در شهرها و افزایش جمعیت شهرنشین باعث شده است تا بسیاری از مفاهیم کیفیت زندگی در شهرها دچار تغییر شده و روند نزولی داشته باشند (Azadeh et al., 2023). در واقع در دنیای امروز، افزایش بی‌رویه و کنترل نشده جمعیت در شهرها، تبعات و پیامدهای منفی همچون کمبود خدمات در شهرها، کاهش فرصت‌های شغلی، گرانی زمین و مسکن، آلودگی هوا، ترافیک، حاشیه‌نشینی و مسائلی از این قبیل را به همراه دارد. در این میان مسأله‌ای که تاکنون کمتر به آن توجه شده است تأثیر منفی رشد شهرنشینی بر تعاملات اجتماعی است (srivastava, 2009). بنابراین طی سال‌های اخیر با افزایش اندازه، وسعت و تراکم‌های شهری، شاخص‌هایی همچون مدنیت، شهروندی و روابط اجتماعی به عنوان اصول اولیه شهری، تضعیف شده است. محققان نیز معتقدند که یکی از اثرات منفی ناشی از تراکم جمعیت، کاهش روابط بین افراد است که موجب نوعی فردگرایی می‌شود که خود عامل بسیاری از ناهنجاری‌های روانی است.

مسأله اصلی این پژوهش کاهش تعاملات اجتماعی در پی توسعه کالبدی و بی‌رویه کلان‌شهرها است. دغدغه اصلی نویسندگان آن است که تاکنون معماران و طراحان شهری، در طراحی و ساخت فضاهای عمومی، کمتر به این مسأله پرداخته‌اند. یکی از این فضاهای عمومی که تأثیر قابل توجهی بر مسائل اجتماعی و رشد شاخص‌های اجتماعی دارد، فرهنگسراها و مراکز فرهنگی هستند. در تأیید این مسأله باید گفت که تقویت عملکرد فرهنگسراها به واسطه روابط متقابل و حیاتی «فرهنگ»،

«محیط» و «انسان» می‌تواند باعث غنی‌سازی اوقات فراغت نسل‌های مختلف شود. این راهبرد در شهرهایی با جامعه نامتوازن مانند کلان‌شهر تهران، ضمن دعوت از اقشار مختلف، بسترساز رفتارهای اجتماعی آگاهانه بوده و به قدرت اجتماعی در جامعه، کمک شایانی می‌نماید. به دیگر سخن مراکز فرهنگی و فرهنگسراها می‌توانند به عنوان بستری عمومی، خلق یک مکان سوم معاشرپذیر را تسهیل نموده و به واسطه کارایی مناسب‌تر مکان، اجتماع‌پذیری فعالی برای نسل‌های یک جامعه پدید آورند (Mohammadpour & Asgari, 2024). در زمینه بیان اهمیت فرهنگسراها به عنوان بستری جهت توسعه شاخص‌ها و تعاملات اجتماعی، می‌توان به مقاله نیگورا در کشور ازبکستان اشاره کرد. نیگورا در مقاله خود با عنوان «نقش مراکز ملی و فرهنگی ازبکستان در زندگی عمومی» بیان کرد که کشور ازبکستان پس از اعلام استقلال، به دلیل ماهیت چند ملیتی این کشور، تلاش کرد تا از طریق فعالیت‌های مختلف فرهنگی همچون؛ استودیوهای موسیقی و تئاتر، تاریخ، نویسندگی، ادبیات، تئاتر و نقاشی، سنت‌ها و صنایع دستی ملی و... به حس همبستگی و اتحاد میان مردم کمک ویژه‌ای کند و به مرور زمان، هدف از طراحی و ساخت مؤسسات فرهنگی از ایجاد سرگرمی به سمت توسعه زندگی عمومی و اجتماعی تغییر کرد (Ruzimuratovna, 2022). همچنین پژوهشی که در کشور ترکیه انجام شده، نشان داد که مراکز فرهنگی در این کشور به مرور زمان از نظر پیکربندی فضایی و کاربری دچار تغییر شده‌اند. براساس قوانین جدید معماری و با توجه به میزان فعالیت مردم در مراکز فرهنگی، کالبد فرهنگسراها باید به گونه‌ای طراحی و ساخته شود که از انعطاف‌پذیری برخوردار بوده و فعالیت‌های اجتماعی متنوع را تقویت کند (Bayram & Ünlü, 2023).

بنابراین فرهنگسراها محل گردهمایی و انجام رویدادهای فرهنگی هستند. با توجه به حضور افراد مختلف در این فضاهای عمومی، طراحی و ساخت این فرهنگسراها باید به گونه‌ای باشد که تعاملات اجتماعی را بین افراد افزایش دهد. از این رو باید مطالعاتی انجام شود که مشخص نماید، تمرکز معماران بر کدام شاخص‌های کالبدی

کالبدی و شاخص‌های تعاملات اجتماعی اختصاص داشته و در این چارچوب، سوالات پژوهش به شرح زیر است:

- کدامیک از شاخص‌های کالبدی فضاهای فرهنگی و فرهنگسراها در کلانشهر تهران، با شاخص‌های تعاملات اجتماعی ارتباط معنادار دارد.
- کدامیک از شاخص‌های کالبدی فضاهای فرهنگی و فرهنگسراها در کلانشهر تهران، بر تعاملات اجتماعی شهروندان تأثیرگذار است.

1-1- پیشینه علمی

محمدی و همکاران (2013) موضوع تحقق تعاملات اجتماعی را در فضاهای عمومی شهر قدیم لار مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد سطح تعاملات اجتماعی در این فضاها بسیار پایین است. براساس نتایج پژوهش از مهمترین دلایل این موضوع می‌توان به مواردی همچون عدم وجود پاتوق‌های جمعی، عدم وجود رویدادهای فرهنگی و همچنین دسترسی نامناسب به فضاهای عمومی اشاره کرد. یزدانفر و همکاران (2013) به این نتیجه دست یافتند که براساس مدل‌هایی که برای تعریف نیازهای انسانی ارائه شده‌اند، تعاملات اجتماعی، یکی از موارد ضروری است. جدا از مسایل مربوط به باورها، نگرش‌ها، ترجیحات و دیگر جنبه‌های شخصیتی ویژه افراد که در نظریه‌های مربوط به علوم رفتاری به عنوان مهمترین عوامل کنترل کننده رفتار انسان مطرح شده‌اند، محیط کالبدی نیز در ارتباط با رفتارهای انسان امکانات بالقوه‌ای دارد. محمدی و آیت‌اللهی (2015) عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع پذیری بناهای فرهنگی را در فرهنگسرای فرشچیان اصفهان مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از وجود رابطه مستقیم بین میزان اجتماع‌پذیری و مؤلفه‌های کالبدی و فعالیتی محیط ساخته شده است. این مؤلفه‌ها گاه به‌تنهایی و گاه در ترکیب با یکدیگر می‌توانند در کمیت و کیفیت اجتماع‌پذیری بناهای عمومی اثرگذار باشند. جاوید مهر و هاشم‌پور (2019) بازنمود تأثیر هندسه بر حیات‌پذیری فضاهای معماری، مورد مطالعاتی: فرهنگسراها را مورد بررسی قرار دادند. به‌طور خلاصه یافته‌های تحقیق مبتنی

می‌تواند باعث ارتقاء تعاملات اجتماعی شود. در چند دهه اخیر با توجه به تضعیف ساختار اجتماع پذیری محیط‌های ساخته شده در شکل‌دهی تعاملات اجتماعی سودمند، کیفیت اجتماعی در فضاهای جمعی و عمومی که مشتمل بر مراکز فرهنگی نیز است؛ به شدت مورد توجه قرار گرفته. این در حالی است که فضاهایی که طراحی می‌شوند باید بتوانند تسهیلگر تعاملات اجتماعی باشند. در واقع طراحی و معماری فضاهای فرهنگی و فرهنگسراها با توجه به شاخص‌های اجتماعی باعث می‌شود که میزان حضورپذیری این فضاها افزایش یافته و مردم با سایر افراد حاضر در این فضاهای فرهنگی تعامل بیشتری داشته باشند و رابطه قویتری با مکان و جامعه خود برقرار نمایند (Karimi Azeri & Tourandaz, 2018). میزان موفقیت طراحی و ساخت یک فضا نیز با میزان استفاده از آن فضا و حضور انسان در آن متناسب است. در واقع معماری و شهرسازی باید به جای افتراق و جدایی، در پی افزایش تعاملات اجتماعی و همبستگی انسان‌ها باشد، که امروزه این موضوع در جوامع شهری بزرگ مانند کلانشهر تهران بسیار کم رنگ شده است (Behzadfar & Tahmasebi, 2013).

در مجموع باید اینگونه گفت که رشد بی‌رویه و افزایش جمعیت شهرها و نگاه صرفاً کالبدی به موضوع توسعه شهرها (Azadeh et al., 2022) باعث شده است تا در طراحی بسیاری از کاربری‌های فرهنگی همچون فرهنگسراها، تعاملات اجتماعی مورد غفلت و فراموشی قرار گیرد. این موضوع در کلانشهرها و به خصوص کلانشهر تهران که با مسائلی همچون افزایش تراکم جمعیتی، کوچک شدن مسکن، عدم وجود فضاهای اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی و انزوای اجتماعی در بین اقشار مختلف روبرو است، بیشتر به چشم می‌خورد. بنابراین مسأله اصلی عدم توجه به شاخص‌های اجتماعی در طراحی و معماری مراکز فرهنگی و فرهنگسراهاست. در این چارچوب دغدغه اصلی نویسندگان آن است که مشخص شود با کدام شاخص‌های کالبدی و معماری می‌توان در راستای افزایش تعاملات اجتماعی در فرهنگسراها گام برداشت. از این رو، پژوهش حاضر به یک تحلیل آماری از ارتباط معنادار میان مؤلفه‌های

بر تحلیل‌های آماری حاکی از اهمیت بالای معیارهای هندسی تناسبات متفاوت، زایش تشابه‌ها، حفظ سلسله‌مراتب و زمینه کامل و ساده در میان دیگر معیارها با هدف ارتقای حیات معماری نمونه‌های موردی است. رحیمی (2020) به بررسی و تحلیل مؤلفه‌های فضای عمومی شهری به جهت دستیابی به تعاملات اجتماعی (نمونه موردی: منطقه 12 تهران) پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که سه شاخص نگهداری و مراقبت از فضا، دسترسی مناسب و زیبایی بصری بیشترین تأثیرگذاری را بر افزایش تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی دارند. نصیرپور و مولایی بیرگانی (2021) به بررسی اصول و معیارهای طراحی فضاهای عمومی شهری با رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضا (نمونه‌ی موردی پارک ساحلی کیانپارس) پرداختند. نتایج نشان داد که شاخص‌هایی همچون قابلیت دسترسی به فضای عمومی، حس دعوت‌کنندگی، برقراری امنیت، تحریک احساسات مخاطب، وجود محل تجمع و جریان داشتن فعالیت‌های مختلف، نقش قابل توجهی در گسترش تعاملات اجتماعی دارند. سودمند و همکاران (2022) به تحلیل جامعه‌شناختی نقش فضا و معماری فرهنگسراها در توسعه پایدار فرهنگی (مطالعه موردی: فرهنگسراها شهر تهران) پرداختند. نتایج نشان داد که امروزه فرهنگسراها با وجود امکانات زیرساختی، از فضای مناسب کمتری متناسب با شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی برخوردارند و خلأهایی در حوزه برنامه‌ریزی توسعه‌ای دارند که قابل تأمل و بررسی است. محمدزاده بلالمی (2023) در سنجش وضعیت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری به این نتیجه رسید که اجتماع‌پذیری و شکل‌گیری زندگی جمعی در فضاهای عمومی شهری معلول سه مکانیسم کالبدی-فضایی، فعالیتی-عملکردی و ادراکی-معنایی است.

در پایان به عنوان جمع‌بندی از پیشینه تحقیق و بیان نوآوری پژوهش، اینگونه می‌توان بیان نمود که بسیاری از مطالعات پیشین، تعاملات اجتماعی را در فضاهای بیرونی همچون پارک‌های شهری، پیاده‌راه‌ها و میدان‌های شهری، مورد مطالعه قرار داده‌اند و کمتر به

فضاهای درونی و سرپوشیده مانند فرهنگسراها پرداخته شده است. همچنین از دیگر ابعاد نوآوری پژوهش آنکه موضوع تعاملات اجتماعی تاکنون از دیدگاه‌های مختلف علوم اجتماعی بررسی شده است، اما تأثیرگذاری محیط کالبدی بر بعد اجتماعی و ارتباط بین این دو مؤلفه در رشته معماری بسیار کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

1-2-1- چارچوب نظری

1-2-1-1- مفهوم فضاهای عمومی و فرهنگسراها

فضاهای عمومی فضایی هستند که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهیمند (Rezaei et al., 2016). یکی از مهمترین انواع فضاهای عمومی در حوزه معماری و طراحی شهری، فرهنگسراها هستند. فرهنگسرا ساختمانی است که، در آن یک یا چند نهاد فرهنگی فعالیت دارند. در فرهنگسراها معمولاً شرایطی برای آموزش امور گوناگون فرهنگی و اجتماعی و همچنین آموزش پیشه‌ها و هنرهای گوناگون فراهم می‌شود. فرهنگسراها، بر پایه شیوه‌ی فعالیت، به یکی از محورهای سه‌گانه شخصیت (کیستی)، محتوا (درونمایه) و نهاد می‌پردازند. فرهنگسراهای شخصیت محور عبارتند از: فرهنگسراهای کودک، نوجوان، جوان، دانشجو، دختران، بانو و سالمند. فرهنگسراهای محتوا محور عبارتند از: اندیشه، قرآن، انقلاب، فرهنگسرای مجازی، پایداری، هنر، ملل، قانون، تیره‌ها (اقوام)، ورزش، کار، دانش‌ها، تندرستی، طبیعت، و فناوری اطلاعات. فرهنگسراهای نهاد محور عبارتند از: خانواده، مدرسه و شهر.

- کیفیت کالبدی فضاهای فرهنگی و تعاملات اجتماعی

کیفیت کالبدی فضا، جنبه‌ای از کیفیت زندگی است که احساس رفاه، آسایش و رضایت افراد از عوامل کالبدی - فضایی، اجتماعی - اقتصادی، زیست‌محیطی و سمبلیک محیط زندگی و فعالیت را دربر می‌گیرد (Soltani & Darabi, 2016). مفهوم کیفیت کالبدی محیط برای نخستین بار در کنفرانس «هابیتات» سازمان ملل در سال 1976 مطرح شد. امروزه این مسأله به یک مسأله جهانی تبدیل شده است به گونه‌ای که بهبود کیفیت کالبدی محیط‌ها و فضاهای عمومی به یکی از

معینی پیروی می‌کنند و به این اعتبار معمولاً قابل پیش‌بینی و سازماندهی‌اند.

اگر در معماری و طراحی فضاهای عمومی بتوان به گونه‌ای بافت و ساختار فضای کالبدی و فعالیت‌ها را تنظیم کرد که به توسعه تعاملات و ارتباطات عمیق و کیفی کمک کند، طبعاً بیشترین کمک به بهبود و انگیزش حس تعلق اجتماعی، هویت‌یابی و تأمین نیازهای عاطفی شهروندان شده است. اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی با هم‌نشینی مناسب مؤلفه‌های کالبدی معماری و حوزه‌های فعالیت‌های مردم حاصل می‌شود. افزایش کیفیات اجتماعی در یک مکان، وابستگی به آن قرارگاه رفتاری را افزایش می‌دهد (Tabrizi et al., 2015). خلق محیط‌ها و فضاهایی که تنوع بالا و جذاب برای استفاده کنندگان دارند، می‌توانند در این زمینه موفق باشند. بسترسازی کالبدی در فرهنگسراها برای سرگرمی‌های خودجوش و برگزاری مراسمات و آیین‌های مذهبی، ملی و بومی از دیگر عوامل تأثیرگذار است. جان لنگ نیز در کتاب آفرینش نظریه معماری می‌گوید: مکان‌های اجتماع مردمی، آنهایی هستند که فضای راحت نشستن، نور خوب و ملاقات با افراد دیگر را امکان‌پذیر سازد. در مدیریت فضاهای عمومی مردم تمایل به ماندن طولانی در فضاهای عمومی که ارائه منافع و یا درجه‌ای از راحتی را دارا هستند، دارند (Jalaladdini and Oktay, 2011). تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می‌تواند یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. یکی از شاخص‌های تأثیرگذار بر افزایش تعاملات اجتماعی، حضور افراد در ساعات مختلف شبانه روز در فضاهای فرهنگی است. برای اینکه یک فضای شهری کیفیت همیشگی خود را دارا باشد باید بتواند انسان‌ها را در همه اوقات به آنجا بکشاند. استفاده شبانه روزی از یک فضا نه فقط آنرا مستهلک نمی‌نماید، بلکه حضور و فعالیت مستمر شهروندان به آن اهمیتی می‌بخشد.

شکل شماره 1، مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد. در رابطه با مبنای استحصال مدل ارزیابی پژوهش،

سیاست‌های اصلی کشورهای اتحادیه اروپا تبدیل شده است (Węziak-Białowska, 2016). محیط فیزیکی آن محیط طبیعی است که دارای آب و هوا، شرایط اقلیمی، منابع غذایی و دیگر امکانات مادی است. اصطلاح محیط فیزیکی به عنوان نشان‌دهنده محیط ساخته شده است. در واقع محیط فیزیکی به محیطی گفته می‌شود که دست‌ساز انسان است و به ساختار و امکانات رفاهی و روابط فیزیکی فضاها تقسیم می‌شود. در حوزه مطالعات شهری و معماری، کیفیت محیط شامل تأمین امکانات مناسب برای زندگی، بهره‌وری و مدیریت منابع و همچنین برنامه‌ریزی برای این منابع می‌شود. تعدادی از نویسندگان قائل به ماهیت مستقل این مفهوم بوده و با تأکید بر مؤلفه‌های ماهوی دوگانه (عینی-ذهنی) کیفیت محیط، به تبیین و تشریح آن پرداخته‌اند. به طور کلی کیفیت محیط عبارت است از شرایط اجتماعی-فرهنگی و کالبدی محیط شهری که نشان‌دهنده میزان رضایت یا عدم رضایت شهروندان از محیط شهری است (Kakavand et al., 2013). بنابراین از طریق طراحی محیط کالبدی می‌توان بر تعداد وقایع و تعداد مردمی که از فضاهای عمومی استفاده می‌کنند، مدت زمانی که یک فعالیت طول می‌کشد و نیز نوع فعالیت تأثیر گذاشت. به اعتقاد وی آفرینش فعالیت‌ها در فضاهای همگانی تحت تأثیر برخی عوامل قرار دارد که محیط مصنوع یکی از آنهاست. پژوهشگران نیز اجتماع‌پذیری را یکی از مهمترین مؤلفه‌های این گونه فضاها می‌دانند. اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی بر پایه نیاز مردم به حس تعلق اجتماعی و تعامل با یکدیگر قرار دارد (Karimi Azeri & Tourandaz, 2018). در واقع، یکی از مهم‌ترین ابعاد و ویژگی‌های فضاهای عمومی، ایجاد فرصت‌های لازم جهت تعاملات اجتماعی است. در میان اندیشمندان علوم رفتاری که به موضوعات شهری توجه کرده‌اند، امس راپاپورت چهره شاخصی است که با طرح موضوع "کنش متقابل انسان و محیط" زمینه مباحث جدیدی را در برنامه‌ریزی و طراحی شهری گشوده است. از نظر وی، هر محیط شهری مجموعه‌ای از ارتباطات متقابل میان عناصر محیطی و مردم است، ارتباطاتی که از الگوهای

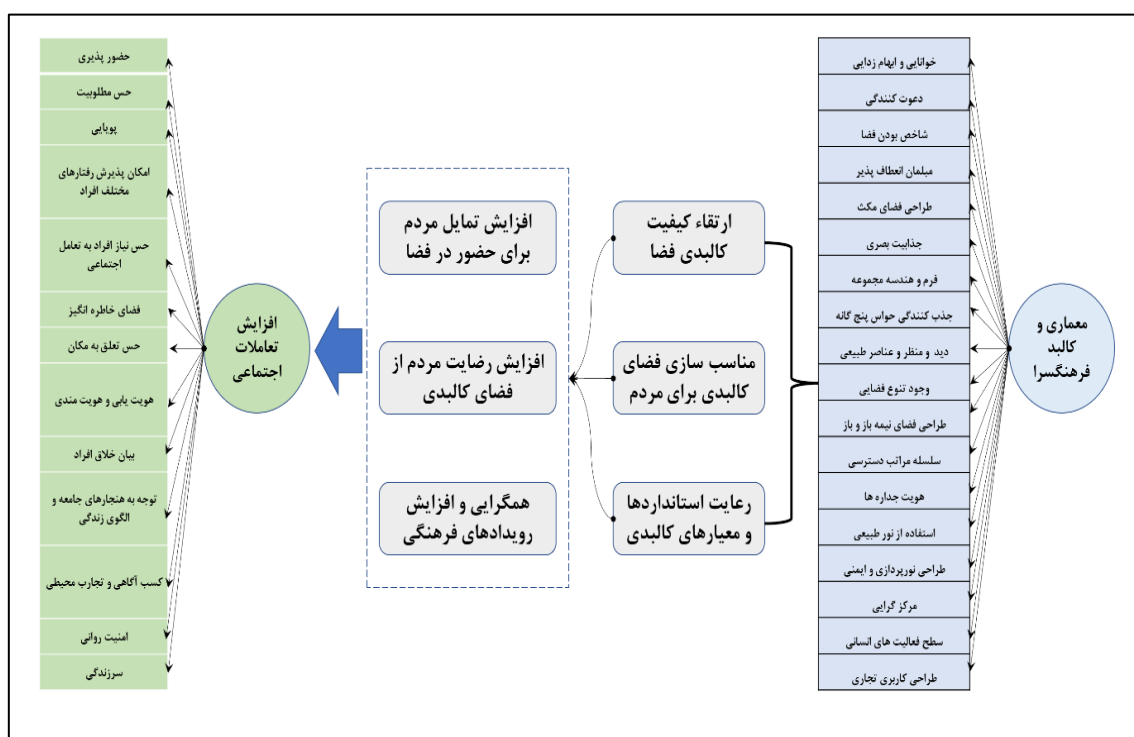
اینگونه می‌توان توضیح داد که، رویکرد اصلی پژوهش تأثیرگذاری بعد کالبدی بر تعاملات اجتماعی در فضاهای فرهنگسراهاست. بنابراین در دو بعد مذکور شاخص‌ها بر اساس مطالعات نظری و پیشینه تحقیق انتخاب شد. در ادامه این شاخص‌ها با استفاده از روش دلفی پالایش شدند. نتیجه نهایی نیز به شکل مدل مفهومی ترسیم شد.

2- روش تحقیق

1-2- نمونه مورد مطالعه

این پژوهش به بررسی و شناخت عوامل مؤثر در ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی فرهنگی (فرهنگسرا) در شهر تهران با تأکید بر فرهنگسرای نیاوران، اختصاص دارد. بنابراین جامعه آماری مورد بررسی در ارتباط با فرهنگسرای نیاوران و مراجعه کنندگان به این فرهنگسراست. از آنجا که این مراجعان، تعیین کننده جامعه مد نظر بودند، ماهیت توصیفی دارد.

بر اساس مصاحبه با مسئولین، میانگین میزان مراجعه به فرهنگسرای نیاوران در طول یک هفته با وجود یک اجرای پر بیننده برابر با 700-750 نفر بود که شامل همه گروه‌های سنی بود و این مقدار با توجه به ماه‌های سال و نوع اجراهای تئاتر و اکران فیلم متغیرند. بنابراین عدد مبنا برای جامعه مورد مطالعه حداکثر افراد یعنی 750 نفر در نظر گرفته شده است. حال با استفاده از جدول مورگان حداکثر تعداد نمونه برای 750 نفر، 256 نفر در نظر گرفته شد که این انتخاب با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی بود و ابزار تحقیق پرسشنامه بسته‌پاسخ محقق‌ساخت بود. دلیل این شیوه نمونه‌گیری، وجود مخاطب عام بدون محدودیت سنی یا جنسی بود. زمان نمونه‌گیری نیز در 2 زمان صبح پیش از ساعت 12 جهت بررسی نظر مراجعین استفاده کننده از گالری و نمایشگاه‌ها و زمان عصر جهت استفاده از نظرات مراجعین سالن‌های نمایش تئاتر و فیلم بود



شکل 1- مدل ارزیابی پژوهش

Fig. 1- Research Evaluation Framework

ساختمان نیاوران به صورت بخش‌های مجزا طراحی شده و بعد در کنار هم قرار گرفته است، اما با نوآوری‌های خاص طراح توانست، ارتباطی درست و جستجوگر میان دو ساختمان پدید بیاورد. سازه این بنا از بتن مسلح و برای زیباسازی این ساختمان طراح با ترکیبی میان بافت (بتن و سنگ)، فرم (ساده هندسی) و سنت (سنت‌های ایرانی) توانسته است ساختاری جدید از معماری سنتی و مدرن را پدید آورد. در ادامه تصویری از این مجموعه ارائه شده است.

طراحی این فرهنگسرا، اثر کامران دیبا و همکارانش و ساخت آن در سال 1355 آغاز و در سال 1356 پایان یافت. مساحت کل مجموعه نیاوران 110000 و زیربنای ساختمان 10000 متر مربع است. این مکان از سال 1364 تا 1374 به عنوان دانشکده هنر فعالیت داشت و در سال 1374 با کاربری رسمی فرهنگسرا آغاز به فعالیت نموده است. فرهنگسرای نیاوران به جهت اقلیم، در موقعیت معتدل کوهستانی است. در این اقلیم به علت وجود بادهای شمال معماری فرهنگسرا به صورت شرق و غرب طراحی شد. نورگیری این بنا از 4 سو انجام می‌شود.



شکل 3- پله‌های ورودی فرهنگسرای نیاوران

Fig. 3- The entrance stairs of Niavaran Cultural Center



شکل 2- سردر داخلی فرهنگسرای نیاوران

Fig. 2- The inner entrance of Niavaran Cultural Center



شکل 5- سردر اصلی ورودی فرهنگسرای نیاوران

Fig. 5- The main entrance to Niavaran cultural Center



شکل 4- فضای داخلی فرهنگسرا

Fig. 4- The interior of the cultural Center



شکل 7- استفاده از مجسمه در فضای باز فرهنگسرای

نیاوران

Fig. 7- The use of sculpture in the open space of Niavaran Cultural Center



شکل 6- کتابخانه فرهنگسرای نیاوران

Fig. 6- Niavaran Cultural Center Library

پوشش می‌دهد یا خیر؟ در این فرآیند، برخی از پرسش‌ها حذف و با پرسش‌های دیگر جایگزین و در نهایت پرسشنامه پژوهش مبتنی بر مدل مفهومی پژوهش و براساس نظرات نهایی استادان محترم، تدوین و توزیع شد.

2-2- متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش
برای انجام پژوهش روش توصیفی - تحلیلی انتخاب شد. ابتدا براساس مطالعات نظری و پیشینه تحقیق، شاخص‌های پژوهش در دو بعد کالبدی و اجتماعی گردآوری شد (جدول 1). در ادامه برای گردآوری اطلاعات از روش پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه و اطلاعات پژوهش نیز در دو بخش اصلی تعاملات اجتماعی و مولفه‌های محیطی گردآوری شد. برای گردآوری اطلاعات، 256 پرسشنامه از افراد حاضر در فرهنگسراهای شهر تهران تکمیل و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شد.

جدول 1- متغیرهای مستقل و وابسته

Tab.1- dependent and independent indicators

متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته
- خوانایی و ابهام زدایی	- حضور پذیری
- دعوت کنندگی	- حس مطلوبیت
- شاخص بودن فضا	- پویایی
- میلان انعطاف پذیر	- امکان پذیرش رفتارهای
- طراحی فضای مکث	- مختلف افراد
- جذابیت بصری	- حس نیاز افراد به تعامل
- فرم و هندسه مجموعه	- اجتماعی
- جذب کنندگی حواس پنج گانه	- فضای خاطره انگیز
- دید و منظر و عناصر طبیعی	- حس تعلق به مکان
- وجود تنوع فضایی	- هویت یابی و هویت مندی
- طراحی فضای نیمه باز و باز	- بیان خلاق افراد
- سلسله مراتب دسترسی	- توجه به هنجارهای جامعه و
- هویت جداره ها	- الگوی زندگی
- استفاده از نور طبیعی	- کسب آگاهی و تجارب
- طراحی نورپردازی و ایمنی	- محیطی
- مرکز گرایی	- امنیت روانی
- سطح فعالیت های انسانی	- سرزندگی
- طراحی کاربری تجاری	

2-3- بررسی روایی، پایایی و نرمال بودن داده‌ها

الف: بررسی روایی و اعتبار پرسشنامه پژوهش

برای گردآوری اطلاعات از روش پرسشنامه و برای بررسی روایی و اعتبار پرسشنامه از دیدگاه کارشناسان حوزه معماری و طراحی شهری استفاده شد. به این صورت که پرسشنامه محقق ساخته، در اختیار هفت نفر از استادان محترم قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا روایی و اعتبار پرسشنامه را با توجه موضوع پژوهش بررسی و به این پرسش پاسخ دهند که آیا این پرسشنامه، موضوع را

Skewness	Kurtosis	شاخص
-0.504	-0.679	امکان پذیرش رفتارهای مختلف افراد
-0.473	-0.052	حس نیاز افراد به تعامل اجتماعی
-0.168	-0.963	فضای خاطره انگیز
-0.526	-0.618	حس تعلق به مکان
-1.019	.560	هویت یابی و هویت مندی
-0.763	.018	بیان خلاق افراد
-0.437	-0.101	توجه به هنجارهای جامعه و الگوی زندگی
-0.337	-0.475	کسب آگاهی و تجارب محیطی
-1.003	.308	امنیت روانی
-1.040	.791	سرزندگی
.004	-0.362	خوانایی و ابهام زدایی
-0.448	-0.400	دعوت کنندگی
-0.457	-0.463	شاخص بودن فضا
-0.705	.040	میلان انعطاف پذیر
-0.550	-0.062	طراحی فضای مکت
-0.611	-0.433	جذابیت بصری
-0.392	-0.533	فرم و هندسه مجموعه
-0.364	-0.766	جذب کنندگی حواس پنج گانه
-0.722	-0.233	دید و منظر و عناصر طبیعی
-0.633	-0.465	وجود تنوع فضایی
-0.539	-0.345	طراحی فضای نیمه باز و باز
-0.584	.128	سلسله مراتب دسترسی
-0.479	-0.462	هویت جداره ها
-0.774	-0.120	استفاده از نور طبیعی
-1.065	1.056	طراحی نورپردازی و ایمنی
-0.852	-0.014	مرکز گرایی
-1.054	.860	سطح فعالیت های انسانی
-0.686	-0.396	طراحی کاربری تجاری

3- نتایج و بحث

3-1- آمار توصیفی مشخصات پاسخ دهندگان

در این پژوهش 256 نفر در تکمیل پرسشنامه ها همکاری کردند. بر اساس اطلاعات به دست آمده، 135 نفر (52.7 درصد) زن و 121 نفر (47.3 درصد) مرد بودند. دومین متغیر در رابطه با نمونه آماری پژوهش، متغیر سن است. بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه ها، 34 نفر کمتر از 20 سال، 164 نفر 20 تا 40 سال، 46 نفر 40 تا 60 سال و 12 نفر بیش از 60 سال سن داشتند. سومین متغیر در رابطه با نمونه آماری پژوهش، شغل افراد بود. بر اساس نتایج به دست آمده از تکمیل پرسشنامه ها، بیشترین گروه شغلی مربوط به دانشجویان با سهم نسبی

ب: بررسی قابلیت اعتماد و پایایی اطلاعات پژوهش پس از گردآوری اطلاعات، قابلیت اعتماد و پایایی اطلاعات بررسی شد. یکی از معروفترین روش ها برای بررسی قابلیت اعتماد و پایایی، روش آلفای کرونباخ است. آلفای کرونباخ اولین بار توسط لی کرونباخ روانشناس آمریکایی در سال 1951 برای تعیین قابلیت اعتماد آزمون های آموزشی و روانشناسی بسط داده شد و مقادیری بین صفر و یک را اختیار می کند. غالباً ضریب آلفای بالای 0.7 مطلوب تلقی می شود و در صورت پایین بودن مقدار آلفا بایستی پرسش های دارای ناهمگونی زیاد را حذف کرده تا به مقدار مطلوب نزدیک شود. نتایج بررسی ضریب آلفا در این پژوهش برای بعد اجتماعی و کالبدی، به ترتیب برابر با 0.805 و 0.895 بود که نشان از اعتماد، پایایی و همبستگی بالای اطلاعات گردآوری شده دارد.

پ: آزمون نرمال بودن اطلاعات پژوهش

یکی از مفروضه های اصلی بسیاری از آزمون های آماری، نرمال بودن توزیع متغیرهای تحلیل است. نرمال بودن توزیع داده ها، به حدی اهمیت دارد که برای پژوهشگر تعیین می کند از کدام روش آماری برای تحلیل خود استفاده نماید. با توجه به بالا بودن تعداد نمونه آماری، در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن و یا نبودن اطلاعات گردآوری شده از روش آماری کشیدگی و چولگی استفاده شد. اگر مقدار چولگی و کشیدگی توزیع داده های پژوهش در فاصله 2 الی 2- بود، توزیع در حالت نرمال خواهد بود. نتایج به دست آمده در جدول شماره 2، نشان از توزیع نرمال اطلاعات گردآوری شده دارد. بنابراین در بخش تحلیل می توان از آزمون های پارامتری مانند ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده نمود.

جدول 2- آزمون نرمال بودن شاخص های پژوهش

Tab. 2- Normality test of indicators

Skewness	Kurtosis	شاخص
-0.433	-0.788	حضورپذیری
-0.456	.061	حس مطلوبیت
-0.863	.600	پویایی

2-3- توصیف وضعیت شاخص‌های مستقل و وابسته پژوهش

در این پژوهش شاخص‌های اجتماعی نقش متغیرهای وابسته را داشتند. برای بررسی این بعد پژوهش، 13 شاخص اجتماعی انتخاب شد. نتایج تکمیل پرسشنامه‌ها در رابطه با شاخص‌های اجتماعی در جدول شماره 3 ارائه شده است.

44.1 درصد بود. کمترین سهم نسبی نیز به گروه شغلی دانش‌آموزان اختصاص داشت. آخرین متغیر زمینه‌ای در پژوهش، سطح تحصیلات افراد بود. بر اساس نتایج به دست آمده در پژوهش، بالاترین گروه تحصیلات به افراد با مدرک کارشناسی اختصاص داشت که بالغ بر 94 نفر (36.7 درصد) بود. کمترین تعداد نیز به افراد با مدرک تحصیلی زیر دیپلم اختصاص داشت.

جدول 3- آمار توصیفی شاخص‌های وابسته

Tab. 3- descriptive statistic of dependent and independent indicators

میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	شاخص	بعد
3.74	74	85	58	36	3	فراوانی	حضور پذیری
	28.9	33.2	22.7	14.1	1.2	درصد فراوانی	
3.68	30	133	79	11	3	فراوانی	حس مطلوبیت
	11.7	52	30.9	4.3	1.2	درصد فراوانی	
3.96	81	108	49	13	5	فراوانی	پویایی
	31.3	44.2	19.1	5.1	2	درصد فراوانی	
3.67	72	84	54	38	8	فراوانی	امکان پذیرش رفتارهای مختلف افراد
	28.1	32.8	21.1	14.8	3.1	درصد فراوانی	
3.73	64	87	84	14	7	فراوانی	حس نیاز افراد به تعامل اجتماعی
	25	34	32.8	5.5	2.7	درصد فراوانی	
3.11	40	65	71	44	36	فراوانی	فضای خاطره انگیز
	15.6	25.4	27.7	17.2	14.1	درصد فراوانی	
3.71	79	75	61	32	9	فراوانی	حس تعلق به مکان
	30.9	29.3	23.8	12.5	3.5	درصد فراوانی	
4.11	105	97	34	17	3	فراوانی	هویت یابی و هویت مندی
	41	37.9	13.3	6.6	1.2	درصد فراوانی	
3.88	79	102	47	23	5	فراوانی	بیان خلاق افراد
	30.9	39.8	18.4	9	2	درصد فراوانی	
3.61	51	92	84	21	8	فراوانی	توجه به هنجارهای جامعه و الگوی زندگی
	19.9	35.9	32.8	8.2	3.1	درصد فراوانی	
3.67	54	97	75	27	3	فراوانی	کسب آگاهی و تجارب محیطی
	21/1	37/9	29/3	10.5	1.2	درصد فراوانی	
4.13	120	73	44	15	4	فراوانی	امنیت روانی
	46.9	28.5	17.2	5.9	1.6	درصد فراوانی	
3.91	80	116	31	17	12	فراوانی	سرزندگی
	31.3	45.3	12.1	6.6	4.7	درصد فراوانی	
3.24	26	71	106	46	7	فراوانی	خوانایی و ابهام زدایی
	10.2	27.7	41.4	18	2.7	درصد فراوانی	
3.49	34	100	83	36	3	فراوانی	دعوت کنندگی
	13.3	39.1	32.4	14.1	1.2	درصد فراوانی	
3.58	54	93	66	34	9	فراوانی	شاخص بودن فضا
	21.1	36.3	25.8	13.3	3.5	درصد فراوانی	
3.83	75	96	59	19	7	فراوانی	مبلمان انعطاف پذیر
	29.3	37.5	23	7.4	2.7	درصد فراوانی	
3.78	65	99	69	18	5	فراوانی	طراحی فضای مکت

اجتماعی

کالبدی



میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	شاخص	بعد
3.74	74	85	58	36	3	فراوانی	حضور پذیری
	28.9	33.2	22.7	14.1	1.2	درصد فراوانی	
3.68	30	133	79	11	3	فراوانی	حس مطلوبیت
	11.7	52	30.9	4.3	1.2	درصد فراوانی	
3.96	81	108	49	13	5	فراوانی	پویایی
	31.3	44.2	19.1	5.1	2	درصد فراوانی	
3.67	72	84	54	38	8	فراوانی	امکان پذیرش رفتارهای مختلف افراد
	28.1	32.8	21.1	14.8	3.1	درصد فراوانی	
3.73	64	87	84	14	7	فراوانی	حس نیاز افراد به تعامل اجتماعی
	25	34	32.8	5.5	2.7	درصد فراوانی	
3.11	40	65	71	44	36	فراوانی	فضای خاطره انگیز
	15.6	25.4	27.7	17.2	14.1	درصد فراوانی	
3.71	79	75	61	32	9	فراوانی	حس تعلق به مکان
	30.9	29.3	23.8	12.5	3.5	درصد فراوانی	
4.11	105	97	34	17	3	فراوانی	هویت بابتی و هویت مندی
	41	37.9	13.3	6.6	1.2	درصد فراوانی	
3.88	79	102	47	23	5	فراوانی	بیان خلاق افراد
	30.9	39.8	18.4	9	2	درصد فراوانی	
3.61	51	92	84	21	8	فراوانی	توجه به هنجارهای جامعه و الگوی زندگی
	19.9	35.9	32.8	8.2	3.1	درصد فراوانی	
3.67	54	97	75	27	3	فراوانی	کسب آگاهی و تجارب محیطی
	21/1	37/9	29/3	10.5	1.2	درصد فراوانی	
4.13	120	73	44	15	4	فراوانی	امنیت روانی
	46.9	28.5	17.2	5.9	1.6	درصد فراوانی	
3.91	80	116	31	17	12	فراوانی	سرزندگی
	31.3	45.3	12.1	6.6	4.7	درصد فراوانی	
4.10	25.4	38.7	27	7	2	درصد فراوانی	جذابیت بصری
	97	99	49	11	0	فراوانی	
3.58	37.9	38.7	19.1	4.3	0	درصد فراوانی	فرم و هندسه مجموعه
	59	82	74	32	9	فراوانی	
3.56	23	32	28.9	12.5	3.5	درصد فراوانی	جذب کنندگی حواس پنج گانه
	64	76	66	40	10	فراوانی	
3.90	25	29.7	25.8	15.6	3.9	درصد فراوانی	دید و منظر و عناصر طبیعی
	93	80	55	22	6	فراوانی	
3.86	36.3	31.3	21.5	8.6	2.3	درصد فراوانی	وجود تنوع فضایی
	89	80	55	27	5	فراوانی	
3/67	34.8	31.3	21.5	10.5	2	درصد فراوانی	طراحی فضای نیمه باز و باز
	62	94	63	29	8	فراوانی	
3/88	24.2	36.7	24.6	11.3	3.1	درصد فراوانی	سلسله مراتب دسترسی
	72	101	68	11	4	فراوانی	
3/67	28.1	39.5	26.6	4.3	1.6	درصد فراوانی	هویت جداره ها
	64	89	66	30	7	فراوانی	
4.14	25	34.8	25.8	11.7	2.7	درصد فراوانی	استفاده از نور طبیعی
	109	87	48	11	1	فراوانی	
4.16	42.6	34	18.8	4.3	0.4	درصد فراوانی	طراحی نورپردازی و ایمنی
	110	93	42	7	4	فراوانی	
	43	36.3	16.4	2.7	1.6	درصد فراوانی	

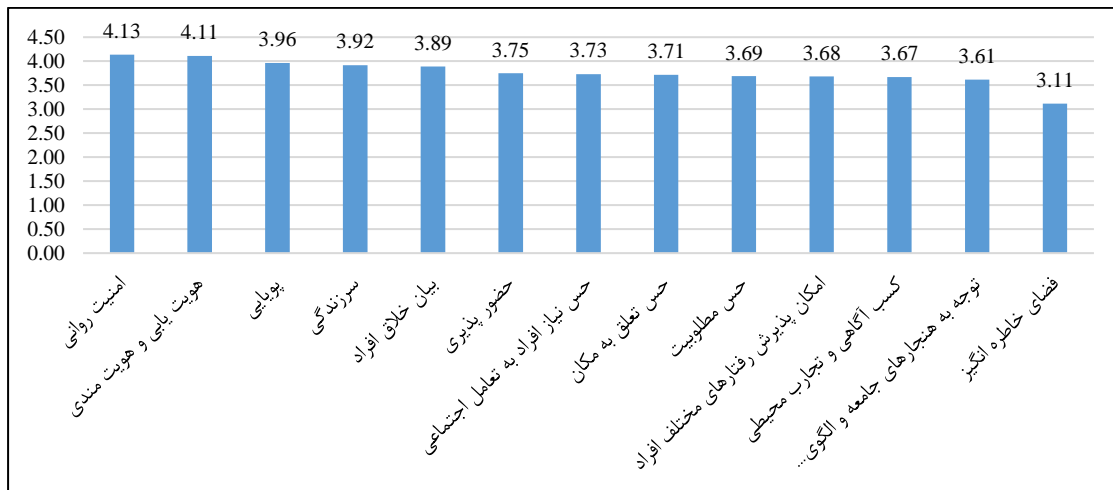
اجتماعی

میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	شاخص	بعد
3.74	74	85	58	36	3	فراوانی	حضور پذیری
	28.9	33.2	22.7	14.1	1.2	درصد فراوانی	
3.68	30	133	79	11	3	فراوانی	حس مطلوبیت
	11.7	52	30.9	4.3	1.2	درصد فراوانی	
3.96	81	108	49	13	5	فراوانی	پویایی
	31.3	44.2	19.1	5.1	2	درصد فراوانی	
3.67	72	84	54	38	8	فراوانی	امکان پذیرش رفتارهای مختلف افراد
	28.1	32.8	21.1	14.8	3.1	درصد فراوانی	
3.73	64	87	84	14	7	فراوانی	حس نیاز افراد به تعامل اجتماعی
	25	34	32.8	5.5	2.7	درصد فراوانی	
3.11	40	65	71	44	36	فراوانی	فضای خاطره انگیز
	15.6	25.4	27.7	17.2	14.1	درصد فراوانی	
3.71	79	75	61	32	9	فراوانی	حس تعلق به مکان
	30.9	29.3	23.8	12.5	3.5	درصد فراوانی	
4.11	105	97	34	17	3	فراوانی	هویت یابی و هویت مندی
	41	37.9	13.3	6.6	1.2	درصد فراوانی	
3.88	79	102	47	23	5	فراوانی	بیان خلاق افراد
	30.9	39.8	18.4	9	2	درصد فراوانی	
3.61	51	92	84	21	8	فراوانی	توجه به هنجارهای جامعه و الگوی زندگی
	19.9	35.9	32.8	8.2	3.1	درصد فراوانی	
3.67	54	97	75	27	3	فراوانی	کسب آگاهی و تجارب محیطی
	21/1	37/9	29/3	10.5	1.2	درصد فراوانی	
4.13	120	73	44	15	4	فراوانی	امنیت روانی
	46.9	28.5	17.2	5.9	1.6	درصد فراوانی	
3.91	80	116	31	17	12	فراوانی	سرزندگی
	31.3	45.3	12.1	6.6	4.7	درصد فراوانی	
4.05	109	76	50	17	4	فراوانی	مرکز گرایی
	42.6	29.7	19.5	6.6	1.6	درصد فراوانی	
4.09	103	96	40	12	5	فراوانی	سطح فعالیت های انسانی
	40.2	37.5	15.6	4.7	2	درصد فراوانی	
3.85	88	84	49	29	6	فراوانی	طراحی کاربری تجاری
	34.4	32.8	19.1	11.3	2.3	درصد فراوانی	

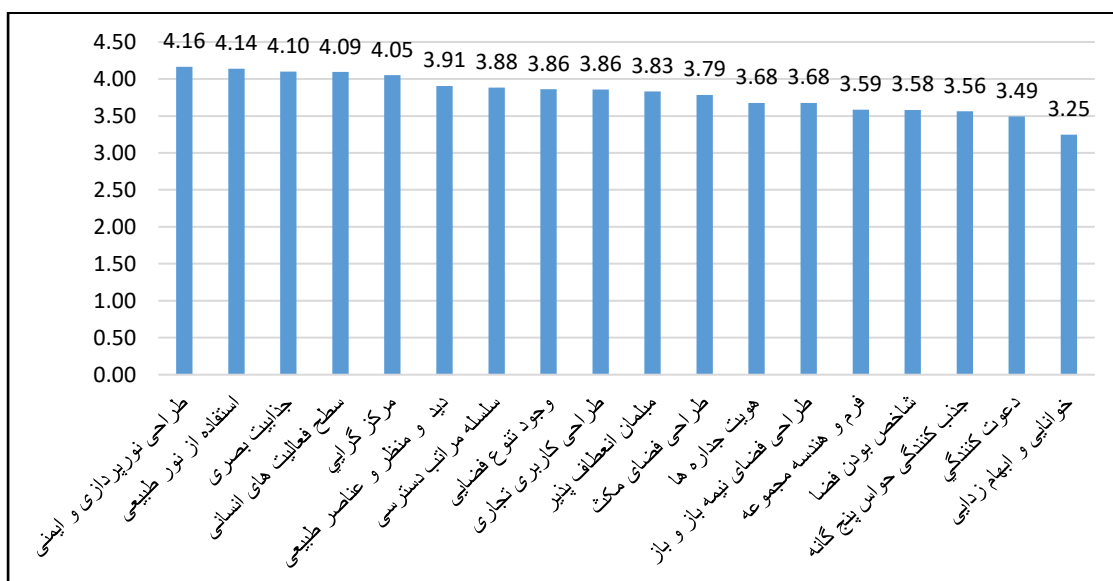
اجتماعی

دومین بعد اصلی در این پژوهش، بعد کالبدی بود. برای بررسی این بعد به عنوان متغیرهای مستقل، 18 شاخص انتخاب شد. نتایج تکمیل پرسشنامه‌ها در رابطه با شاخص‌های کالبدی در جدول شماره 3 ارائه شده است. بر اساس نتایج به دست آمده از بین شاخص‌های کالبدی، دو شاخص طراحی نورپردازی و ایمنی و استفاده از نور طبیعی به ترتیب با نمرات میانگین 4.18 و 4.16 در رتبه اول و دوم قرار گرفتند. کمترین نمره میانگین نیز به شاخص خوانایی و ابهام‌زدایی با نمره میانگین 3.24 اختصاص داشت. در مجموع نمره میانگین برای بعد کالبدی 3.80 شد.

مقایسه نمرات میانگین حاکی از آن بود که دو شاخص امنیت روانی و هویت‌یابی و هویت‌مندی به ترتیب با نمرات میانگین 4.13 و 4.11 در رتبه اول و دوم قرار داشتند. کمترین نمره میانگین به شاخص فضای خاطره انگیز با نمره میانگین 3.11 اختصاص داشت. در مجموع می‌توان گفت نمره کیفی تمام شاخص‌های اجتماعی بالاتر از حد متوسط بودند. نمره میانگین برای شاخص اصلی تعاملات اجتماعی نیز بر اساس برآیند 13 شاخص مورد مطالعه برابر با 3.79 بود که نشان از سطح بالای تعاملات اجتماعی در فرهنگسراهای شهر تهران دارد.



شکل 8- نمره میانگین و رتبه بندی شاخص های اجتماعی
Fig. 8- Average score and ranking of social indicators



شکل 9- نمره میانگین و رتبه بندی شاخص های کالبدی
Fig. 9- Average score and ranking of physical indicators

3-3- تحلیل یافته‌های تحقیق

یکی از انواع روش‌های تحلیل یافته‌های تحقیق، بررسی ضریب همبستگی است. در این نوع تحقیق رابطه میان متغیرها براساس هدف تحقیق تحلیل می‌شود. این روش پژوهشی، صرفاً درجات همبستگی و روابط بین متغیرها را بررسی می‌کند. در تحقیق همبستگی هدف اصلی آن است که مشخص شود که:

- آیا بین دو متغیر رابطه وجود دارد؟ (اگر پاسخ سؤال مثبت باشد دو سؤال بعد مطرح می‌شود).
- جهت رابطه به چه صورت است؟

- شدت آن چقدر است؟

«هدف از روش تحقیق همبستگی عبارت است از توصیف روابط موجود بین متغیرها و استفاده از یک همبستگی معلوم برای پیش‌بینی یک متغیر از روی متغیر دیگر.» در تفسیر نتایج تحقیقات همبستگی باید به این نکته توجه داشت که همبستگی بین دو یا چند متغیر ضرورتاً و الزاماً به معنی رابطه علت و معلولی بین آنها نیست و غالباً عوامل دیگری نیز وجود دارند که بر هر دو متغیر مستقل و وابسته تأثیر می‌گذارند. یک رابطه همبستگی بین متغیرها فقط این مطلب را بیان می‌کند که تغییر در

جدول 5- تحلیل رگرسیون اثرات شاخص‌های مستقل بر روی شاخص وابسته

Tab. 5- Regression analyze of the effects of independent indicators on the dependent indicator

Sig.	ضریب استاندارد	متغیرهای مستقل	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معنی داری آماره F	آماره F	شاخص وابسته
0.001	0.173	خوانایی و ابهام زدایی	0.593	0.000	21.62	تعاملات اجتماعی
0.004	0.177	دعوت کنندگی				
0.023	0.119	مبلمان انعطاف پذیر				
0.031	0.125	وجود تنوع فضایی				
0.027	0.120	مرکز گرایی				
0.018	0.132	سطح فعالیت‌های انسانی				

منظور ابتدا در محیط نرم افزار SPSS، شاخص اصلی تعاملات اجتماعی از برآیند 13 زیرشاخص، محاسبه و سپس تحلیل رگرسیون انجام شد. نتایج این بخش از پژوهش در جدول شماره 5 ارائه شده است.

به منظور تشریح اجزای مدل پیشنهادی، آماره F که از تحلیل ANOVA، استخراج شده است، مقبولیت مدل را از نظر آماری بررسی می‌کند. تشخیص این موضوع با معنی داری این آماره در سطح خطای کوچکتر یا بزرگتر از 0.05 امکان پذیر است. در واقع سطح معنی داری کوچکتر از 0.05 به معنای مقبولیت مدل است. از آنجا که تحلیل ANOVA، یک آزمون سودمند از توانایی مدل در توضیح تأثیر هر متغیر مستقل در متغیر وابسته است، مستقیماً به شدت رابطه توجه ندارد. یکی دیگر از اجزاء مدل‌های پیشنهادی، ضریب تعیین تعدیل شده است. مقدار این ضریب بین صفر و یک است. هر چه این ضریب بیشتر باشد، به این معنی است که متغیرهای مستقل توانسته‌اند، مقدار زیادی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند. در تحلیل رگرسیون، دو نوع ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده و نشده وجود دارد. اما از آنجا که در تحلیل رگرسیون مقیاس اغلب متغیرهای مستقل، از واحدهای متفاوتی تشکیل یافته، بنابراین به راحتی نمی‌توان به مقایسه سهم هر متغیر مستقل در تبیین تغییرات متغیر وابسته پرداخت. به همین دلیل ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای تعیین سهم متغیرهای مستقل مشخص شده است. در این زمینه، هر چه مقدار ضریب بتای یک متغیر بزرگتر باشد، نقش آن در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته بیشتر است.

بر اساس نتایج به دست آمده سطح معناداری برای آماره F در تحلیل اطلاعات پژوهش، برابر با 0.05 است. این

مطابق با جدول شماره 4، شاخص اجتماعی حضورپذیری، با 16 شاخص محیطی مانند خوانایی و ابهام زدایی، دعوت کنندگی، سلسله مراتب دسترسی، استفاده از نور طبیعی، طراحی نورپردازی و ایمنی، مرکزگرایی، سطح فعالیت‌های انسانی و طراحی کاربری تجاری رابطه معنادار داشت. شاخص حس نیاز افراد به تعامل اجتماعی، با 1 شاخص همچون، مبلمان انعطاف پذیر، طراحی فضای مکث، جذابیت بصری، فرم و هندسه مجموعه و جذب کنندگی حواس پنج گانه رابطه معنادار داشت. شاخص‌های اجتماعی فضای خاطره انگیز و هویت‌یابی و هویت‌مندی با 15 شاخص محیطی ارتباط و همبستگی معنادار نشان دادند. شاخص‌های بیان خلاق افراد و توجه به هنجارهای جامعه و الگوی زندگی نیز به ترتیب با 16 و 17 شاخص محیطی ارتباط معنادار داشتند در بخش پیشین و با استفاده از ضریب همبستگی، شاخص‌های محیطی که با شاخص‌های اجتماعی، ارتباط معنادار داشتند شناسایی شدند. لازم به ذکر است که پیش شرط‌های استفاده از روش رگرسیون نیز به شرح زیر بررسی شد. داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار بودند.

- بین متغیرهای مستقل همبستگی بسیار قوی وجود نداشت.

- متغیرهای مستقل و وابسته، همگی از نوع کمی بودند.

- رابطه خطی بین متغیرهای مستقل محیطی و متغیر وابسته تعاملات اجتماعی وجود داشت.

- نقاط پرت قابل توجهی نیز وجود نداشت.

در این مرحله از پژوهش، با استفاده از تحلیل رگرسیون، شاخص‌های محیطی که قدرت پیش‌بینی و تأثیرگذاری بر تعاملات اجتماعی را دارند، شناسایی شدند. برای این

نتیجه که حاصل تحلیل رگرسیون از راه تحلیل واریانس است، نشان می‌دهد که مدل مفهومی تحقیق از برازش و نیکویی خوبی برخوردار است. مطابق با اطلاعات مندرج در جدول شماره 5 که از نرم افزار SPSS استخراج شده است، از بین 18 شاخص محیطی که نقش متغیرهای مستقل را داشتند، تأثیرگذاری 6 شاخص شامل خوانایی و ابهام‌زدایی، دعوت کنندگی، مبلمان انعطاف پذیر، وجود تنوع فضایی، مرکزگرایی و سطح فعالیت‌های انسانی تأیید شد.

4- نتیجه‌گیری

در این پژوهش موضوع تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی و فرهنگی با تأکید بر فرهنگسراهای شهر تهران مورد مطالعه قرار گرفت. 13 شاخص اجتماعی و 18 شاخص کالبدی بررسی شد. نتایج نشان داد که بسیاری از شاخص‌های کالبدی با شاخص‌های اجتماعی همسو هستند. از بین شاخص‌های کالبدی، شش شاخص خوانایی و ابهام‌زدایی، دعوت کنندگی، مبلمان انعطاف پذیر، وجود تنوع فضایی، مرکزگرایی و سطح فعالیت‌های انسانی بیشترین اثرگذاری را بر تعاملات اجتماعی داشتند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، از بین شاخص‌های مستقل محیطی دو شاخص خوانایی و ابهام‌زدایی و مبلمان انعطاف پذیر از شاخص‌های تأثیرگذار بر سطح تعاملات اجتماعی در فرهنگسراها بودند. این یافته با نتایج پژوهش محمدی و آیت‌اللهی (2015) همسو است. ایشان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که دسترسی و خوانایی مسیر رسیدن به فضاها و همچنین مبلمان مناسب جهت نشستن، از شاخص‌های مهم در طراحی کالبدی فرهنگسراهاست که سبب رشد تعاملات اجتماعی می‌شوند. تنوع فعالیتی و همچنین تنوع فضایی نیز از نتایج مشترک و همسو در پژوهش حاضر با پژوهش سودمند و همکاران (2022) بود.

گسترش بی‌رویه شهری و تمرکز بر توسعه فضاهای کالبدی باعث شده است تا روابط و تعاملات اجتماعی در بین شهروندان بسیار کاهش یابد. امروزه مردم بیشتر زمان خود را در بلوک‌های مسکونی و آپارتمانی به سر می‌برند که هدف از ساخت و طراحی این مجتمع‌های

مسکونی تنها تولید مسکن بوده و کمترین توجهی به سایر نیازهای اجتماعی و روانی نشده است. این موضوع نشان می‌دهد که در معماری و طراحی شهری باید توجه بیشتری به موضوع تعاملات اجتماعی شود. در معماری و طراحی فضاهای عمومی باید علاوه بر استانداردهای کالبدی، ارتقاء تعاملات اجتماعی نیز توجه شود. در واقع گرایش به برقراری ارتباط با سایر مردم در نهاد تمام انسان‌ها نهفته است و هر شرایطی که مانع از برآورده کردن این نیاز شود، کاهش رضایت شهروندی را در پی خواهد داشت. متأسفانه در معماری و طراحی مدرن شهری، این امکان به حداقل رسیده است، چرا که وجود آسمان‌خراش‌ها و خیابان‌های وسیع، جایی برای ایجاد فضاهای عمومی و در نتیجه، برقراری ارتباط بین شهروندان باقی نگذاشته است. بسیاری از منتقدان بر این باورند که اگر برنامه‌ریزان تغییراتی مثبت در طراحی فضاهای عمومی به وجود آورند، آنگاه به طور چشم‌گیری فعالیت بدنی را در میان مردم افزایش می‌دهند که این امر به سهم خود، در گردهم آوردن مردم و دوری از انزوای آن‌ها کمک زیادی می‌کند. همچنین افزایش تعاملات اجتماعی در فضاهای معماری و شهرسازی موجب پایداری عاطفی را در عناصر شهری ایجاد خواهد کرد که خود سبب ایجاد سرزندگی اجتماعی می‌شود. افراد به سطح متفاوتی از تعاملات اجتماعی تمایل دارند و مطالعات نشان می‌دهد که امروزه تعاملات اجتماعی در سطوح پایین‌تری بین نسل‌های گوناگون اتفاق می‌افتد. فضاهای عمومی به ویژه فضاهای فرهنگی و آموزشی این امکان را به مردم می‌دهند که با حضور در این گونه فضاها بتوانند نسل‌های مختلف را در کنار یکدیگر جمع کنند و بتوانند شیوه‌ای برای دستیابی به روابط اجتماعی منسجم و پایدار و ارتقای تعامل و حضور در فضای عمومی باشد.

فرهنگسراها به به عنوان بخشی از فضاهای عمومی نقش قابل توجهی در برقراری تعاملات اجتماعی شهروندان دارند. تکتی شاخص و حائز اهمیت، تنها وجود فرهنگسرا در شهر نیست. بلکه حضور افراد و مردم در این فضاها است که باعث سرزندگی این فضاهای فرهنگی می‌شود. حضور افراد در فضای عمومی و فرهنگی نیازمند این است



TABRIZI, O., MOKHTABAD, E. S. M., & FEYZI, M. (2015). DESIGN AND ARCHITECTURE OF COLLECTIVIST SOCIAL INTERACTION AND COMMUNICATION, 37, *urban management*, 257-272. [in Persian].

<http://ijurm.imo.org.ir/article-1-373-fa.html>

Javidmehr, M., & Hashempour, P. (2019). The Influence of Geometry on the Vitality of Architecture, Case Study: Cultural Centers. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 11(25), 13-26. [in Persian].

https://www.armanshahrjournal.com/article_85043.html?lang=en

Rahimi, H. (2020). Investigation and analysis of urban public space components to achieve social interactions (Case study: District 12 of Tehran). *Geography (Regional Planning)*, 10(40), 691-708. [in Persian].

https://www.jgeoqeshm.ir/article_122125.html?lang=fa

Rezaei, S., Rafieyan, M., & Arghan, A. (2016). Assess the impact of a sense of citizenship of a sense of place by emphasizing its semantic components Case study: The new City Campus. *Urban Management*, 15(44), 41-64. [in Persian].

<http://ijurm.imo.org.ir/article-1176-1-fa.html>

Soltani, L., & Darabi, M. (2016). Evaluation of Environmental Quality in the Historical Urban Quarters of Iran (Case Study: The Quarter of Nafar-Abad, Rey). *Human Geography Research*, 48(3), 429-439. [in Persian].

10.22059/JHGR.2016.51980

Soodmand, N., Emamjomeh, F., & Shekarbeugi, A. (2022). Sociological analysis of the role of space and architecture of cultural centers in sustainable cultural development (Case study: Cultural centers of Tehran). *Journal of Iranian Social Development Studies*, 14(54), 7-17. [in Persian].

<https://sanad.iaui.ir/en/Journal/jisds/Article/820802/FullText>

Kakavand, E., Barati, N., & Goharrizi, B. A. (2013). Comparative Assessment of Mental Image of Citizens with Planners to Quality of the Urban Environment (Case study: Qazvin Distressed Area). *Bagh-e Nazar*, 10(25), 101-112. [in Persian].

https://www.bagh-sj.com/article_2936.html

که دانش چگونگی الگوهای مختلف اجتماعی شدن توسعه یابد. نتیجه شاخصی که مقاله به آن اذعان دارد، آن است که محیط ساخته شده و کالبدی فرهنگسراها در حیات پذیری، اجتماع پذیری و برقراری تعاملات اجتماعی استفاده کنندگان از محیط کالبدی، نقش قابل توجهی دارند. بنابراین برای بهبود شرایط اجتماعی و فرهنگی مردم در شهرها، علاوه بر مطالعه الگوها و دیدگاه‌های علوم اجتماعی، تمرکز بر مطالعات کالبدی و بازطراحی فضاهای عمومی همچون فرهنگسراها نیز، بسیار مؤثر خواهد بود. به عبارت دیگر آنکه رشد اجتماعی - فرهنگی شهر و شهروندان، نیازمند اتخاذ رویکردها و راه‌حل‌های بین رشته ای بوده و ضرورت دارد تا متخصصان علوم اجتماعی با معماران و طراحان فضاهای شهری مشارکت و تعامل بیشتری داشته باشند.

تقدیر و تشکر

نویسندگان مقاله در این فرصت از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش یاری رساندند و هم چنین استادانی که در ارزیابی کیفیت پژوهش و مقاله همراهی انجام دادند، سپاسگزاری و قدردانی می‌نمایند.

مراجع

Azadeh, S. R., Mohammadi, J., & Neshat Doost, H. T. (2023). Analysis of the Relationship between Physical Variables of Urban Settlements and Mental Disorders Based on GSI Index Case Study: Isfahan Metropolis. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 11(1), 85-99. [in Persian] 10.22061/jsaud.2022.9038.2053.

Azadeh, S. R., & Ebizadeh, S. (2022). Executive Priorities in Promoting the Quality of New Urban Housing Case Study: Rasht City. *Geography and Development*, 20(67), 250-275. [in Persian] 10.22111/J10.22111.2022.6918

Behzadfar, M., & Tahmasebi, A. (2013). Recognition and assessment of influential elements on social interaction (strengthening and improving citizen communication in urban open spaces, model city of Sanandaj). *Bagh-e Nazar*, 10(25), 17-28. [in Persian] https://www.bagh-sj.com/article_2928.html?lang=en



- Srivastava, K. (2009). Urbanization and mental health. *Industrial psychiatry journal*, 18(2), 75-76.
10.4103/0972-6748.64028
- Arvanitidis, P. A., & Papagiannitsis, G. (2020). Urban open spaces as a common: The credibility thesis and common property in a self-governed park of Athens, Greece. *Cities*, 97, 102480.
<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102480>
- Bayram, Ç., & Ünlü, A. (2023). Analysis of behavioral processes in cultural centers through concepts of configuration and time: A three building comparison in Istanbul. *A/ Z ITU JOURNAL OF THE FACULTY OF ARCHITECTURE*, 20(3), 515-531.
<https://doi.org/10.58278/0.2023.19>
- Chen, S., Sleipness, O., Xu, Y., Park, K., & Christensen, K. (2020). A systematic review of alternative protocols for evaluating non-spatial dimensions of urban parks. *Urban forestry & urban greening*, 53, 126718.
<https://doi.org/10.1016/j.ufug.2020.126718>
- Mexia, T., Vieira, J., Príncipe, A., Anjos, A., Silva, P., Lopes, N., ... & Pinho, P. (2018). Ecosystem services: Urban parks under a magnifying glass. *Environmental research*, 160, 469-478.
<https://doi.org/10.1016/j.envres.2017.10.023>
- Ruzimuratovna, O. N. (2022). ROLE OF NATIONAL AND CULTURAL CENTERS OF UZBEKISTAN IN PUBLIC LIFE. *INTERNATIONAL JOURNAL OF RESEARCH IN COMMERCE, IT, ENGINEERING AND SOCIAL SCIENCES ISSN: 2349-7793 Impact Factor: 6.876*, 16(5), 73-75.
<https://gejournal.net/index.php/IJRCIESS/article/view/530>
- Jalaladdini, Siavash & Oktay, Derya. (2011). Urban Public Spaces and Vitality: A SocioSpatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 35(2012) 664-674.
<https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.02.135>
- Weźiak-Białowolska, D., (2016): Quality of life in cities – Empirical evidence in comparative European perspective, *Cities*, 58, pp: 87–96.
<https://doi.org/10.1016/j.cities.2016.05.016>
- Karimi Azeri, A. R., & Tourandaz, B. (2018). Reconstruction of Urban Plazas with an Emphasis on Social Interaction Based on the Principles of New Urbanism (Case Study: Imam Square of Bandar Anzali). *Urban Planning Knowledge*, 2(3), 85-97. [in Persian].
10.22124/UPK.2018.10349.1089
- Mohammadpour, K., & Asgari, A. (2024). Space Syntax and Physical Dialectical Relations of the Contemporary Cultural Centers of Tehran. *Rahpooe Memari-o ShahrSazi*, 2(4), 55-68. [in Persian].
10.22034/RAU.2024.2019440.1076
- MOHAMMADI, M., AZIMI, M., MOGHADDAM, H., & RAFIEIAN, M. (2013). URBAN PUBLIC SPACES: REALIZATION OF SOCIAL INTERACTIONS IN HISTORICAL TEXTURE, *Maremat-e Asar & Baft-haye Tarikhi-Farhangi*, 2(4), 15-28. [in Persian].
<http://mmi.aui.ac.ir/article-1-922-fa.html>
- Mohammadi, M., & Ayatollah, M. (2015). Effective factors in promoting sociability of cultural buildings; case study: farshchian cultural academy in Isfahan. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 8(15), 79-96. [in Persian].
10.30480/AUP.2015.12
- Nassirpou, F. Z., & Molaei Birgani, N. (2021). Principles and criteria for designing urban public spaces with the approach of strengthening the social interactions of space users (Case study of Kianpars beach park). *Geography and Human Relationships*, 4(1), 330-349. [in Persian].
https://www.gahr.ir/article_134685.html
- Yazdanfar, A., Hoseini, B., and Zaroodi, M. (2013). Public spaces and social interactions enhancement (Case study: Kosar residential complex and Ekbatan residential complex-phase 2). *Urban and rural management*, 2013; 11 (32), 7-22. [in Persian].
<http://ijurm.imo.org.ir/article-1-61-fa.html>
- Mohammadzade Balalami, S., Ghasemi, M., Norouzi, M., & Nikpour, M. (2023). Assessing the Sociopetalilty of urban public spaces with an emphasis on the factor of enclosure (Case study: Bam Central Square). *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 11(1), 159-176. [in Persian].
10.22061/jsaud.2023.9199.2071